

Investigation of the Roots of Economic Evils from an Islamic Perspective

Abdul Subhan Sadiqi *

Department of Islamic Sciences and Culture, Faculty of Education, Samangan Higher Education Institute.

** Corresponding Author: subhansaddiqi1@gmail.com*

Cite this study:

Sadiqi, A. S. (2024). Investigation of the Roots of Economic Evils from an Islamic Perspective, Samangan Academic and Research Journal, 1(1), 27-45.

Keywords

Islam,
economy,
roots,
factors,
evils

Research

Received:

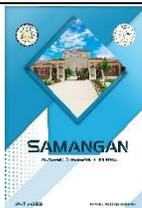
Revised:

Accepted:

Published:

Abstract

Through contemplation on religious teachings and other credible Islamic sources, economic evils have a broad concept and a specific nature. Any deviation or deviation from the legal principles that disrupt the economic system is considered economic evil. Economic evils are both an ancient phenomenon in content and a modern one in their methods, with various roots and consequences. In current circumstances, they have become one of the principal phenomena at the national and international levels. Considering the principle of the necessity to combat economic evils, the lack of theoretical discussions, and the absence of a proper scientific plan and strategy, it is essential to emphasize the importance of analysing verses and narrations. This analysis leads to an understanding of the various dimensions of economic evils. The central question raised is: What are the roots and main causes of economic evils from the Islamic perspective? Islam, with its comprehensive and holistic view, firmly opposes all forms and manifestations of economic evils in Islamic society. The theoretical and practical directives of Islam each play a restraining and controlling role in short-term and long-term terms, combating economic evils at both individual and societal levels. The research findings indicate that a combination of internal factors (belief, ethics, and psychological) and external factors (cultural, social, and economic) are effective in the occurrence of economic evils. Each of these factors has mutual relationships with one another. This research also reveals that religious teachings have designed a comprehensive and precise program with their specific practical and theoretical methods. The present study utilizes a descriptive-analytical method, and information is collected through library research by consulting original texts and reliable scientific and religious sources.



مجله علمی-تحقیقی سمنگان

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

ISSN: 3006-8835



بررسی ریشه‌های مفاسد اقتصادی از دیدگاه اسلام

پوهنمل عبدالسبحان صدیقی*

دیارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، پوهنحی تعلیم و تربیه، مؤسسۀ تحصیلات عالی سمنگان

* نویسنده مسؤل: subhansaddiqi1@gmail.com

تقریظ دهنده: پوهندی صدیق‌الله کریمی

مرجع‌دهی:

صدیقی ع. س. (۱۴۰۲). بررسی ریشه‌های مفاسد اقتصادی از دیدگاه اسلام، (۱۱۱)، ۲۷-۴۵.

کلمات کلیدی

اسلام،

اقتصاد،

ریشه، عوامل و مفاسد.

چکیده

با تفکر و تعمق در آموزه‌های دینی و سایر منابع معتبر اسلامی مفاسد اقتصادی مفهوم وسیع و ماهیت خاصی دارد؛ به هرگونه انحراف و کج‌روی از ضوابط شرعی که موجب اختلال در نظام اقتصادی گردد، گفته می‌شود. مفاسد اقتصادی یک پدیده قدیمی در محتوا و جدید در روش آن بوده و دارای ریشه‌ها و پیامدهای مختلفی است و در شرایط کنونی به یکی از اصلی‌ترین پدیده در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. با توجه به اصل ضرورت مبارزه با مفاسد اقتصادی، نبود و خلای مباحث نظری و فقدان یک طرح علمی و استراتژی درست و کارا، می‌توان به ضرورت و اهمیت بحث و تحلیل آیات و روایات پی برد که موجب آشنایی و شناخت ابعاد مختلف مفاسد اقتصادی می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که ریشه‌ها و علت‌های اصلی مفاسد اقتصادی از دید اسلام چیست؟ اسلام عزیز در خصوص عوامل ایجاد و ریشه‌های مفاسد اقتصادی دیدگاه جامع و کلی و همه‌جانبه دارد و به‌طور قاطع با تمامی مصادیق و نمودهای مختلف مفاسد اقتصادی در جامعه اسلامی مبارزه می‌کند و دستورات نظری و عملی اسلام هرکدام به‌نحوی نقش بازدارنده‌گی و کنترل مفاسد اقتصادی را در فرد و اجتماع در کوتاه‌مدت و درازمدت دارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در تحقق مفاسد اقتصادی مجموعه‌یی از عوامل و ریشه‌های درونی (اعتقادی، اخلاقی و روانی) و بیرونی (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) مؤثرند و هر یک از عوامل آن نیز با یک‌دیگر دارای ارتباط متقابل می‌باشند. همچنان تحقیق حاضر بیانگر آن است که آموزه‌های دینی با شیوه‌های عملی و نظری خاص خود برنامه جامع و دقیق را در این باره طراحی کرده است. در این تحقیق سعی شده تا از روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردد و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌یی با مراجعه و مطالعه در متون اصیل و منابع معتبر علمی و دینی می‌باشد.

مقدمه

قرآن کریم مظهر رحمت و جلوه ربوبیت خداوند متعال و کتاب شناخت و هدایت انسان است. خداوند متعال با نزول کتب و ارسال رسل و جانشینان آن‌ها راه را از چاه متمایز می‌سازد و تشنه‌گان هدایت و معرفت را به گونه شایسته و بایسته تربیت می‌کند تا در مسیر کمال و سعادت واقعی و علت غایی آفرینش (قرب الهی) و مقام خلیفه الله که مطابق با فطرت الهی اوست، رهنمون باشند. از بدو حیات انسان و پیدایش جامعه بشری دغدغه اقتصاد و در کنار آن مفاسد اقتصادی و مالی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بشر امروز علی‌الرغم برخوردار از امکانات پیش‌رفته و بهره‌مندی از مزایای تکنالوژی همچنان از مشکلات فراوانی از جمله فساد و علی‌الخصوص فساد اقتصادی رنج می‌برد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سطح منطقه و جهان این پدیده روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و همین امر از اهمیت اتخاذ راه حل مورد اطمینان و جامع برای مبارزه با آن حکایت می‌کند. قرآن کریم کتابی است محکم و روشن و دارای منافع عمومی و همه‌گانی که ضامن سعادت انسان‌ها و اصلاح جامعه بشری است و مهم‌ترین مرجع و دارای ساده‌ترین روش‌ها برای تبیین برنامه زنده‌گی است. مطمئناً که کامل‌ترین دستورالعمل‌ها در تمام ابعاد رشد و کمال انسانی در قرآن کریم تجلی یافته است و به خصوص نظریات اقتصادی خاصی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در آن تبیین شده است. پس، در این جا سؤالی اصلی که مطرح می‌شود این است که عوامل و ریشه‌های اصلی مفاسد اقتصادی از دیدگاه دین مقدس اسلام چیست؟ یافته‌های تحقیق حاضر نیز به همین سؤال پاسخ داده است.

در نگاه کلی می‌توان گفت که عوامل و ریشه‌های متعددی که باعث ایجاد مفاسد اقتصادی شده است، از جمله: عوامل و ریشه‌های درونی که شامل عوامل اعتقادی، اخلاقی و روانی می‌شود و عوامل و ریشه‌های بیرونی که شامل عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشند. علی‌الرغم این که بحث اقتصاد در آموزه‌های دینی دارای جایگاه بلندی می‌باشد، ولی امروزه این موضوع در تحقیق‌های محققان پوهنتون‌ها از اقبال چندان برخوردار نمی‌باشد. با این حال، برخی از تحقیق‌ها کوشش کرده‌اند که این مهم را تبیین نمایند؛ از آن جمله می‌توان به علی اصغر هادوی‌نیا و همکاران (1395) توجه کرد. او بیان می‌دارد که در قرآن و سنت فساد به طیف گسترده‌یی از انحرافات رفتاری که تعادل محیط زیست، اقتصاد و اجتماع را تهدید می‌کند، اطلاق می‌گردد. حسن یعقوبی و داوود خوش‌باور (1398) در تحقیقی که به عوامل فساد اقتصادی و راه‌کارهای پیش‌گیری از آن پرداخته، مدعی شده است که از دیدگاه قرآن فساد دامنه گسترده‌یی دارد و هر نوع ظلم، گناه، انحراف، هدر دادن منابع و زیان‌رساندن به دیگران را در بر می‌گیرد. مهدی اکبرنژاد و همکاران (1393) نیز فساد اداری را از دیدگاه اسلام این گونه بیان کرده است: فساد اداری به هر نوع عملی اطلاق می‌شود که از سوی هر کسی و به هر صورتی و هر انگیزه‌یی انجام گیرد؛ به

گونه‌یی که در اهداف و عمل کرد نهادهای دولتی اخلاص ایجاد و یا آن را از مسیر صحیح خویش منحرف کند. چنانچه که دیده می‌شود اکثر این تحقیق‌ها که با رویکرد اسلامی در پی تعریف فساد بوده‌اند، اگرچه در حوزه اقتصاد می‌باشد، ولی عمدتاً تعریف کلی فساد در اسلام را بررسی کرده و آن را به‌عنوان فساد پذیرفته‌اند. به همین دلیل در این پژوهش سعی بر آن شده است که با رجوع به قرآن و آموزه‌های دینی مفاسد اقتصادی ریشه‌یابی شود. جست‌وجوی راه‌کارهای دینی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی از آن لحاظ با اهمیت است که جامعه ما یک جامعه صد در صد اسلامی است. به همین خاطر نگارنده قصد دارد که با مطالعه و بررسی موضوع، گامی هرچند کوچک در راستای تبیین و ارائه ریشه‌های مفاسد اقتصادی از دیدگاه اسلام برداشته باشد و به کاوشگران در این عرصه یاری رساند تا با تعمق و دقت بیش‌تری دستورالعمل‌های آن را در همه مراحل زنده‌گی به‌کار بندند.

مواد و روش کار

قابل ذکر است که این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی بوده و از شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات به‌گونه کتاب‌خانه‌یی و مطالعات متون دینی مرتبط شکل می‌گیرد. روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر مرور به اسناد کتبی صورت گرفته است. ناگفته نباید گذاشت که در این تحقیق پژوهشگر از منابع معتبر اینترنتی نیز استفاده کرده است.

اقتصاد

اقتصاد از ماده قصد به‌معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ص ۲۶۹). و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه‌روی نیز آمده است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۵۲۴). راغب اصفهانی اقتصاد را به‌معنای میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری می‌داند (اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۴: ص ۱۹۷). همچنان به معنای میانه‌نگاه‌داشتن و تعادل دخل و خرج است (مریدی، ۱۳۷۳: ص ۱۱۹).

تعابیر متعددی در رابطه به تعریف اصطلاحی اقتصاد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم. علم اقتصاد به‌عنوان دانش بررسی روی‌دادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به‌کار می‌رود (آقانظری، ۱۳۸۵: ص ۳۹). علم اقتصاد دانشی است که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر و روابط آن‌ها را با یک‌دیگر تعیین می‌کند (طهماسب، ۱۳۷۰: ص ۲۰). اقتصاد علمی است که درباره ثروت بحث می‌کند و در عین حال یکی از شعبه‌های علوم بررسی انسان است (مارشال، ۱۳۴۰: ص ۸). تعریف دیگری از دید اقتصاددانان ارائه شده است که عبارت است از مطالعه رفتار فردی و اجتماعی بشر در ارتباط به استفاده از منابع در جهت تأمین اهداف مادی بشر می‌باشد (قحف، ۱۳۸۵: ص ۱۶۷).

فساد

فساد از نظر اهل لغت دارای معانی متعدد می‌باشد؛ مانند: تباه‌شدن، نابودشدن، ازبین‌رفتن، ضد صلاح و به ستم گرفتن مال کسی، گزند، زیان، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری و عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و همچنان فتنه و آشوب ذکر شده است و معمولاً درمقابل معنای صلاح به کار می‌رود (دهخدا، 1372). در جای دیگر آمده است: «الفساد ضد الصلاح»؛ یعنی فساد ضد صلاح است (فراهیدی، 1409). همچنان به معنای خلاف مصلحت برمی‌گردد و در مقابل درست‌کاری است (طریحی، 1375، ج 3: ص 121). در نتیجه فساد نقطه مقابل صلاح است و آن هم تحقق امری بر ضد صلاح و خارج‌شدن شیء از حالت سلامت و اعتدال می‌باشد.

در قسمت تعریف اصطلاحی فساد نیز نظرات متعدد ارائه شده که ما در این تحقیق به یک تعریف جامع آن اکتفا می‌کنیم: فساد عبارت است از پاداشی نامشروع که برای وادارکردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده می‌شود (سرداری، 1380: ص 134). نتیجه این که معنایی که امروزه از این اصطلاح استفاده می‌شود، تعریف محدود ندارد. به بیان امروزی و عمومی، فساد یعنی دغل‌کاری و فریب‌کاری و پشت‌هم‌اندازی و ارتکاب همه آن کارهایی که مخالف قانون و مقررات است. فساد یعنی این که چیزی را برداریم و به جایش یک چیز کاذب یا شبیه آن بگذاریم. برخی از اصطلاحاتی که به معنای فساد در قرآن آمده، با واژه فساد بیان نشده است؛ بلکه در قالب الفاظ دیگر آمده‌اند؛ مانند: واژه (خبال) یعنی زیادی در فساد. کلمه (لاتعثو) به معنای شدت در فساد و کلمات دیگری مانند: (الفحشا و البوار) که همه این‌ها افاده معنای فساد را می‌کند. بنابراین، اگر بخواهیم تمام آیاتی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم مسأله فساد را مطرح کرده‌اند مطالعه نماییم، ریشه آن به (فسد) اشاره می‌شود. واژه فساد و مشتقات آن 52 بار در 49 آیه از کلام الهی به کار رفته است (عبدالباقی، 1397: ماده فسد). از دیدگاه قرآن فساد دامنه گسترده دارد و در وجوه القرآن معانی متعددی برای آن ذکر کرده‌اند؛ از جمله به معنای (معصیت و نافرمانی در سوره بقره آیات 11 و 12، سوره اعراف آیه 56، سوره انبیا آیه 22، سوره مؤمنون آیه 71، هلاکت در سوره اسراء آیه 4، قتل در سوره کهف آیه 94، خرابی‌کردن در سوره نمل آیه 34، تباهی کردن در سوره بقره آیه 205 و غیره. از مجموع آیاتی که در سوره‌های مختلف قرآن آمده است به خوبی دانسته می‌شود که فساد به‌طور کلی یا فساد فی‌الارض یک معنای بسیار وسیعی دارد که بزرگ‌ترین جنایات مانند فرعون و سایر جباران و کارهای کمتر از آن را و حتی گناهان همچون کم‌فروشی و تقلب در معامله را شامل می‌شود و البته با توجه به مفهوم وسیع فساد که هرگونه خروج از حد اعتدال را شامل می‌شود، این وسعت کاملاً قابل درک است.

اسلام به معنای انقیاد و فرمان برداری و یا تسلیم شدن در برابر خداوند متعال را گفته می‌شود. همچنان به معنای مسلمان شدن، اسلام آوردن و غیره آمده است (عمید، ۱۳۹۸، ج ۱: ص ۱۱۳). دین در نزد خدا اسلام است (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ). واژه «دین» در لغت در اصل به معنای جزا و پاداش است و به معنای اطاعت و پیروی از فرمان نیز آمده است. و در اصطلاح مذهبی عبارت از مجموعه قواعد و قوانین و آدابی است که انسان در سایه آنها می‌تواند به خدا نزدیک شود و به سعادت دو جهان برسد و از نظر اخلاقی و تربیتی در مسیر صحیح گام بردارد (کریمی، ۱۳۹۱: ص ۱۱). عبدالقادر عوده یکی از حقوق دانان معاصر اسلامی ویژگی‌هایی را که اسلام و شریعت را از قانون عرفی متمایز می‌نماید و بیان برتری شریعت نسبت به قانون است، چنین برمی‌شمارد:

ویژه گی اول- کامل بودن: شریعت اسلامی به دلیل کامل بودن بر قوانین عرفی برتری دارد؛ بدین معنی که شریعت همه قواعد، اصول و نظریاتی را که یک قانون کامل به آن نیازمند است، در خود دارد و به واسطه اصول و نظریه‌هایی که عهده‌دار رفع نیازهای جامعه در حال حاضر و در آینده دور است غنی و بی‌نیاز است.

ویژگی دوم- برتری داشتن: شریعت اسلامی به سبب علو و برتری بر قوانین عرفی امتیاز دارد. بدین معنی که قواعد و اصول آن همیشه از سطح جامعه بالاتر است و در آن اصول و نظریه‌هایی وجود دارد که هر اندازه سطح جامعه بالا برود، به آن نمی‌رسد.

ویژگی سوم- دوام و ثبات: شریعت اسلامی به سبب دوام، ثبات و استقرارش بر قوانین عرفی برتری دارد؛ زیرا نصوص آن هر چند سال‌ها بگذرد و زمان‌ها به درازا بکشد، قابل تغییر و تبدیل نیست و با این وجود همواره شایسته‌گی خود را در همه زمان‌ها و مکان‌ها حفظ می‌کند (عوده، ۱۳۷۳، ج ۱: ص ۴۰).

مفهوم مفاسد اقتصادی

تعریف پدیده مفاسد اقتصادی و حتی نام‌گذاری آن به دلیل تنوع و تکثر فساد مالی در شرایط گوناگون و متفاوت و نیز گسترش آن در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اداری و اجتماعی به امر اختلافی و بحث‌برانگیز تبدیل شده است. همان‌طوری که از معانی کلمات (اقتصاد و فساد) مشخص است برای تعریف مفاسد اقتصادی نمی‌توان تنها به این کلمات تکیه کرد؛ چرا که در آن صورت تعریف جامع و مانعی نخواهد بود. تعریف‌های زیادی در مستندات و متون مربوط به فساد اقتصادی و مالی به چشم می‌خورد که ما در این بحث به یک تعریف آن اکتفا می‌نماییم. مفاسد اقتصادی در کنار بسیاری از انواع دیگر مفاسد از جمله فساد سیاسی، فساد اخلاقی و فساد اداری شایع‌ترین نوع فساد است که در بسیاری از جوامع، گروه‌ها و واحدهای اجتماعی رایج است و مرتکبین آن دارای علل و انگیزه‌های متعددی می‌باشند. مفاسد اقتصادی آن دسته از پدیده‌هایی‌اند که عمل کرد صحیح اقتصادی یک جامعه را دچار

خلل می‌کنند و به تعبیر اقتصادی، افت و خواب‌شدن اقتصاد در سطح کلان محسوب می‌شوند. تعریف دیگری از فساد اقتصادی و مالی ارائه شده است که عبارت است از تمام رفتارها و سوء استفاده‌جویی‌هایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عمل‌کرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف از واحدهای کوچک گرفته تا اخلال در اقتصاد کشور می‌گردد (محقق، 1389: ص 6).

ریشه‌های مفاسد اقتصادی

فساد اقتصادی یکی از معضلاتی است که اکثر جوامع با آن روبه‌رو هستند و از گذشته تا امروز با وجود برنامه‌های اصلاحات اداری و قانونی و شرعی که برای مبارزه با فساد اقتصادی وضع شده، حل نگردیده و ریشه آن کنده نشده است؛ چرا که پدیده فساد اقتصادی در نهاد هر جامعه‌ی یک‌باره و ناگهانی پدید نمی‌آید تا بتوان آن را با روش اصلاحی خاصی از بین برد و جامعه را از شر آن نجات داد؛ چنان‌چه که برای مقابله با هر بیماری در اولین گام باید خود آن بیماری را شناخت و انواع، ویژه‌گی‌ها و سوابق بروز و شیوع آن را تعیین کرد. شناخت ریشه‌ها، عوامل و زمینه‌هایی که به مرور زمان باعث پیدایش چنین غده مخرب می‌شود، امری ضروری و لازم به نظر می‌رسد که نمی‌توان از کنار آن به ساده‌گی و بی‌توجه گذشت. همچنان مبارزه با فساد بدون شناخت ریشه‌ها و علل آن امکان‌پذیر نخواهد بود. عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اداری و غیره از ریشه‌های مفاسد اقتصادی به‌شمار می‌روند.

همان‌گونه که پیری و ضعف زمینه هجوم کسالت و بیماری‌های گوناگون می‌گردد، گاهی عیب و یا فساد زمینه و کلید انواع گناهان و مفاسد دیگری هم می‌شود. بنابراین، ریشه‌یابی و تشخیص علل و عوامل مؤثر گوناگون در شکل‌گیری و گسترش فساد اقتصادی به آن ماهیت پیچیده‌ی داده است. در نهایت می‌توان جمع‌بندی تحلیل‌های مختلف از عوامل و ریشه‌های اصلی ایجاد و بروز و گسترش مفاسد اقتصادی از دیدگاه اسلام را به دو بخش (عوامل و ریشه‌های درونی و عوامل و ریشه‌های بیرونی) به شرح موارد ذیل به اجمال بیان کرد:

بخش 2- عوامل و ریشه‌های درونی مفاسد اقتصادی

عوامل درونی عواملی‌اند که به خود انسان مربوط است و در نهایت فرد قرار دارد و بر روی انگیزه‌ها، رفتارها و برخوردهای او تأثیر می‌گذارد؛ عواملی چون ریشه‌های اعتقادی، ریشه‌های اخلاقی و روانی که در تحقق مفاسد اقتصادی مؤثرند.

عوامل و ریشه‌های اعتقادی

یکی از علل مهم گسترش فساد از جمله مفاسد اقتصادی ضعف باورها و اعتقادات مذهبی و دینی است. به‌طور کلی رفتار انسان‌ها اعم از هنجار یا ناهنجار از پیچیده‌ترین پدیده‌هایی است که از علل و عوامل متعدد و به‌هم‌تنیده‌ی تأثیر می‌پذیرد؛ به‌طور مثال در این آیه قرآن کریم: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ

فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر: 19)؛ ترجمه: «و مانند آنانی نباشید که به کلی خدا را فراموش کردند. خدا هم (حظاً روحانی و بهره ابدی) نفوس آنها را از یاد شان برد. آنان به حقیقت بدکاران عالمند.» (خرم‌دل، 1384: ص 1173) درین آیه به فراموش کردن خداوند اشاره شده است. و در آیه «إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ» (ص: 22) غفلت از روز جزا از عوامل پیدایش فساد معرفی شده است. بدون شک اگر انسان خدای خویش را فراموش کند و از عذاب روز قیامت ترسی در دل نداشته باشد، به هر کار خلافی دست خواهد زد؛ بنابراین، ضعف ایمان و سست بودن باورهای دینی نخستین و مهم‌ترین عامل مبتلاشدن انسان به فساد است. اگر در آموزه‌های دینی دقت نماییم، دیده می‌شود که با وجود اهمیت دیگر شرایط و عوامل، باورها و اعتقادات قلبی فرد بیش‌ترین و کلیدی‌ترین تأثیر را در جهت‌گیری و شکل‌دهی و کنترل رفتارهای انسان نقش ایفا می‌کند. عقاید و باورها زیربنای رفتار انسان را تشکیل می‌دهند. لذا در صورت سلامت و استحکام آن، انسان همواره رفتار صالح خواهد داشت؛ اما آن‌گاه که شیطان با نفوذ به درون دژ عقاید، باورها و پایه‌های ایمان افراد را سست نماید، این سستی به صورت کج‌روی و ناهنجاری‌های رفتاری ظاهر خواهد شد. اولاً باورهای دینی به دلیل هماهنگی با فطرت و ساختمان خلقت انسان تا عمیق‌ترین لایه‌های وجود انسان ریشه دارند. ثانیاً این باورها به دلیل این‌که از یک جهان‌بینی (الهی) نشأت می‌گیرند و حوزه‌های گوناگونی را در گستره وسیع جهان مادی و جهان آخرت ارزیابی می‌کنند، معیار صحیح و غلط یک رفتار را بر اساس منافع زودگذر و آثار و یا پیامدهای فعلی و مقطعی آن ارزیابی نمی‌کنند. از دیدگاه قرآن فساد و تجاوز به حقوق دیگران و لکه‌دار کردن اشخاص و مرزشکنی در حدود الهی همه از ضعف ایمان و تقوی است. با تقویت مذهب و اعتقاد و ملتزم شدن به اخلاق انسانی و ملکوتی می‌توان از آن جلوگیری کرد (بابازاده، 1374: ص 41).

ریشه‌های اخلاقی

رواج مفاسد اخلاقی در جامعه یکی از مظاهر بارز عوامل درونی به‌شمار می‌آید. ابتدا ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که مصادیق مفاسد اخلاقی در قرآن، گوناگون و دایره وسیعی دارد که شامل تمام ردایل اخلاقی از قبیل کبر، بخل، حسد و غیره می‌شود؛ اما بی‌گمان آن‌چه در عرف به‌عنوان یک عنصر اصلی فساد اخلاقی در زمینه مفاسد مالی اقتصادی نقش برجسته‌ی دارند، از قبیل حرص، دنیاطلبی و غیره مطرح است. خداوند متعال از جریان امر قارون خبر می‌دهد که در روی زمین فساد را طلب مکن؛ زیرا خداوند متعال فسادکننده‌گان را دوست نمی‌دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَبْتَعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: 77)؛ ترجمه: «به‌وسیله آن‌چه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی

(و بهشت جاویدان را فراچنگ آور) و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذایذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن برسی) و همان‌گونه که خدا به تو (بخشیده است و در حق تو) نیکی کرده است، تو نیز (به دیگران ببخش و بدیشان) نیکی کن. و در زمین تباهی مجوی که خدا تباهکاران را دوست نمی‌دارد. (خرم‌دل، 1384: ص 831). و این صفات از خصلت‌های قارون و از خصوصیات ممتاز او بود و با این خصوصیات زنده‌گی می‌کرد و ریشه همه آن‌ها محبت دنیا و دل‌بسته‌گی به آن و جمع آوری و به دست آوردن آن و پیروی کردن از نفس و تمایلات نفسانی و برپاداشتن شهوات و دوست‌داشتن نام‌بلند و ذکر نیکو و موافقت شیطان و پیروی او می‌باشد. در حقیقت همه این صفات و ردایل جمع می‌شوند به تناسب غفلت از خداوند متعال و به سبب فراموش کردن احسان‌ها و نعمت‌های او (جعفر بن محمد، 1360: ص 362). به قارون گفته شد که به محرومان کمک بکن؛ ولی برعکس دست به طغیان زد و در برابر حضرت موسی (علیه‌السلام) ایستاده‌گی کرد. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» (غافر: 23-24). دیده می‌شود که خداوند متعال طاغوت اقتصادی (قارون و قارون‌صفتان) را از ترویج فساد در زمین و از برده‌ساختن مردم و استفاده‌جویی از ایشان منع کرده است. موارد ذیل از جمله مصادیق عوامل و ریشه‌های اخلاقی محسوب می‌شوند:

حرص و طمع

خداوند متعال در این ارتباط فرموده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَىٰ الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: 188)؛ ترجمه: «و اموال خودتان را به باطل (و ناحق همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به امرا و قاضی‌ها تقدیم نکنید تا از روی گناه بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده‌اید و مرتکب گناه شده‌اید).»

یکی از عوامل اخلاقی زمینه‌ساز گناه و فساد از جمله فساد اقتصادی، حرص و طمع به مقام ثروت دنیاست. حرص و طمع سبب گناهانی مانند: حرام‌خواری، کم‌فروشی، احتکار، گران‌فروشی، رشوه‌خواری و انواع بی‌تقوایی‌ها می‌شود. محبت دنیا در انسان، میان ریشه‌ها و عوامل دیگر، نقش محوری دارد. به گفته علمای دین مقدس اسلام محبت دنیا ریشه همه کجی‌هاست که این مطلب در حدیث پیامبر گهربار اسلام نیز ذکر گردیده است. پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرموده است: «اخوف ما اخاف علی امتی زهره الدنيا و کثرتها» (ابوداود، 1419، ج 2: ص 321)؛ ترجمه: «بیش‌ترین ترس من بر امتم جلوه‌های دنیا و زیاده‌خواهی آن است.» علاقه‌مندی به دنیا در مواقع حساس که زمینه و تجاوز به حریم دیگران فراهم است، انسان را منحرف می‌سازد. در حقیقت دل‌بسته‌گی به دنیا، مال و ثروت، قدرت و سیاست، لذت و شهوت، از عواملی است که انسان را دچار لغزش و انحراف می‌کند و او را از اجرای عدالت بازمی‌دارد. طبیعی است که گرایش انسان به ارتکاب گناه جنبه‌های مختلف و متفاوتی دارد که یکی از آن‌ها عدم

رعایت حقوق عمومی در زمینه مالی و اعمال تبعیض آمیز بین بنده گان خدا به قصد انتفاع برای خود و دیگران است. به همین خاطر از نظر دین مقدس اسلام گرایش به دنیا و دل بسته گی به مظاهر آن مذموم تلقی گردیده و صرف در حدی که حرکت تکاملی انسان را تسهیل و تسریع نماید، مورد تأکید قرار داده است (نراقی، 1383، ج 2: ص 180).

مطابقت از هوای نفس و شهوت

تسلیم شدن در برابر لذایذ مادی دنیوی موجب دوری انسان ها از حق و پذیرش سنت های الهی است. در حالی که اساس نظام دین مقدس اسلام پیروی از حق است، نه موافقت طبع و هوای نفس. خداوند متعال در کلامش صریحاً به این موضوع اشاره نموده می فرماید: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأُصْبِحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده: 30)؛ ترجمه: «پس نفس (سرکش) او تدریجاً کشتن برادرش را در نظرش آراست و او را مصمم به کشتن کرد و (عاقبت به ندای وجدان گوش فرا نداد و) او را کشت! و از زیان کاران شد (و هم ایمان خود را و هم برادرش را از دست داد).» (خرم دل، 1384: ص 202) «لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رَسُولًا قُلْنَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ» (مائده: 70)؛ ترجمه: «ما از (یهودیان) بنی اسرائیل پیمان گرفتیم (که احکام تورات را مراعات دارند و برای تبلیغ آن به مردم) پیغمبرانی به سوی ایشان فرستادیم. (اما آنان پیمان شکنی کردند و) هر زمانی که پیغمبری چیزی را می آورد که با هواها و هوس های آنان سازگار نبود، دسته یی (از پیغمبران) را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند.» (همان: ص 214) «إِنَّ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْ لَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَ سَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (فرقان: 42)؛ ترجمه: «اگر ما استقامت و پایداری بر (پرستش) خدایان خود نکنیم، بیم آن می رود که (این مرد ما را گمراه سازد و با حسن بیان و قوت حجت خویش) ما را از معبودهای مان منصرف کند (و به سوی یکتاپرستی متمایل نماید و در نتیجه منحرف مان گرداند. مشرکان در روز قیامت هنگامی که عذاب (خدا) را دیدند، خواهند دانست که چه کسی گمراه و منحرف است.» (همان: ص 755). همچنان خداوند متعال می فرماید: «آیة 59 سورة مریم». این آیه اثر شهوت رانی را بیان می کند و آن عبارت از غی یعنی گمراهی است (طباطبایی، 1417، ج 5: ص 441).

ریشه های روحی و روانی

یکی از زمینه های فساد از جمله مفاصد اقتصادی زمینه های روانی است که در این رابطه نفاق را می توان با استناد آیات و روایات ذیل به عنوان یکی از ریشه های فساد از جمله فساد اقتصادی مطرح کرد؛ خداوند متعال مفسدان و منافقان را به عنوان دارنده قلب مریض یادآوری کرده؛ قلبی که از خدا روگردان و به غیر حق میل شدید و رغبت وافر دارد. او تعالی می فرماید: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ، فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ، وَ إِذَا قِيلَ

لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ، وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنْ نُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره: 9-12)؛ ترجمه: «(اینان به نظر شان) خدا و کسانی را گول می‌زنند که ایمان آورده‌اند، در صورتی که جز خود را نمی‌فریبند؛ ولی نمی‌فهمند. در دل‌های شان بیماری (حسودی و کینه‌توزی با مؤمنان) است و خداوند (نیز با یاری دادن و پیروزگرداندن حق) بیماری ایشان را فزونی می‌بخشد و عذاب دردناکی (در دنیا و آخرت) به سبب دروغ‌گویی و انکار شان در انتظار شان می‌باشد. هنگامی که بدیشان گفته شود: در زمین فساد و تباهی نکنید، گویند: ما اصلاح‌گرانی بیش نیستیم. هان! ایشان بی‌گمان فسادکننده‌گان و تباهی‌پیشه‌گانند و لیکن (به سبب غرور و فریب‌خورده‌گی خود به فساد شان) پی نمی‌برند.» (خرم‌دل، 1384: ص 3).

اصولاً **خداوند** متعال مرض قلب را در حد مرض‌های جسمانی دانسته که به تدریج شدت می‌یابد و اگر به معالجه‌اش نپردازند، مزمن می‌شود و در آخر کار بیمار را به هلاکت می‌کشاند و شدت‌یافتنش به‌خاطر بی‌پرهیزی کردن و بیماری را با چیزهایی که برای مریض مضر است و طبع مریض را بیش‌تر تحریک می‌کند، کمک کردن است که این بی‌پرهیزی و امدادکردن بیماری در بیماری‌های قلبی همان ارتکاب معصیت‌هاست که خداوند متعال درباره‌اش فرموده است: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً». یقیناً که این‌گونه مردم از عمل خیر‌گريزان و آلوده به اعمال شیطانی‌اند (طالقانی، بی‌تا: ص 76).

بخش 3- عوامل و ریشه‌های بیرونی مفاسد اقتصادی

عوامل بیرونی عواملی‌اند که به خود انسان مربوط نمی‌شود و در نهاد فرد قرار ندارد؛ بلکه از بیرون بر روی انگیزه‌ها و رفتارها و برخوردهای او تأثیر می‌گذارد و به عبارت دیگر می‌توان چنین بیان نمود: عوامل بیرونی عواملی‌اند که فرد را از بیرون تحت شعاع قرار می‌دهد؛ مانند عوامل و ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و غیره.

عوامل و ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ و اقتصاد دو نظام بزرگ اجتماعی‌اند و بین آن‌ها ارتباطات تنگاتنگی وجود دارد؛ به نحوی که هریک از اجزای این دو در تعامل با یک‌دیگر شکل می‌گیرد. در جوامع اسلامی نقش مسایل فرهنگی در امور اقتصادی و اجتماعی پررنگ‌تر است و باورها، آداب و رسوم بر روحیه و اندیشه مردم در عمل کرد اجتماعی و وضعیت معیشتی آنان تأثیر عمیق‌تری دارد. به همین خاطر در آسیب‌شناسی معضل فساد، باید علل و ریشه‌های فرهنگی این پدیده را نیز شناسایی کرد. جستجو در متون دینی و بررسی آیات و روایات مرتبط با این موضوع، بیانگر اهمیت به‌سزای علل فرهنگی است و تا زمانی که این دسته از علل

رفع نشوند، برنامه‌های فسادزا به نتیجه مطلوبی نخواهد رسید. موارد ذیل سبب بروز مشکلات فرهنگی و اجتماعی می‌شود:

فاصله گرفتن برخی از نظام‌های اجتماعی از تعالیم دینی

فاصله گرفتن برخی از نظام‌های اجتماعی از تعالیم دینی - علی‌الخصوص در حوزه زیرساخت‌ها و نظام‌های اجتماعی - سرمنشأ تمامی چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی شناخته می‌شود و ریشه تمامی این معضلات به عدم تحقق صحیح و کامل دین در عرصه اجتماع و پیروی از الگوهای توسعه غربی و غیر الهی بازمی‌گردد؛ لذا به هر سطحی که فاصله نظام‌های اجتماعی کشور از تعالیم دینی زیادتر شود، دامنه معضلات نیز گسترده‌تر خواهد شد. بنابراین، بستر فرهنگی لازماً باید بر پایه اصول و ارزش‌های معنوی بالایی استوار باشد. در حقیقت اصلی‌ترین علت بروز و شیوع مفاسد مالی و اقتصادی در جامعه، به کار نبستن دستورهای الهی و عدم توجه کافی به معنویت و به حاشیه راندن دین است. خداوند متعال در قرآن عظیم‌الشان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ» (انفال: 73)؛ ترجمه: «و کسانی که کافرند، برخی یاران برخی دیگرند (و در جانب‌داری از باطل و بدسگالی با مؤمنان هم‌رأی و هم‌سنگرند. پس، ایشان را به دوستی نگیرید و در حفظ عهد و پیمان بکوشید) که اگر چنین نکنید آشوب و تباهی بزرگی در زمین روی می‌دهد.» (فخر رازی، 1420، ج 15: ص 518)

جهل و ناآگاهی

جهل و ناآگاهی و فقدان اطلاعات کافی از تعاریف، مصادیق و ضوابط مربوط به معضلات اجتماعی همواره موجب گسترش بسیاری از ناهنجاری‌ها و مفاسد در سطح جامعه بوده و زمینه گناه و فساد را در انسان به وجود می‌آورد و او را به سوی انواع فساد می‌کشاند. در ارتباط با مفاسد اقتصادی و رواج آن نیز، جهل و ناآگاهی عمومی نقش مؤثری دارد. در آیات و روایات زیادی به این موضوع اشاره شده است که جهل زمینه‌ساز انواع گناهان و مفاسد است. یقیناً که جهل و نادانی یکی از زمینه‌های گناه و فساد از جمله مفاسد اقتصادی مثل ربا، خیانت، سرقت و غیره است (نصری، 1372: ص 3669).

تأثیر محیط فاسد بر افراد فاسد

معمولاً شرایط و جو اجتماعی تأثیر چشم‌گیری در پرورش و جهت‌گیری افراد جامعه - علی‌الخصوص اقشار عمومی آن - خواهد داشت. بدون شک یکی از زمینه‌های مفاسد اقتصادی، محیط فاسد و ناپاک است. قسمی که مکان زباله‌های محل موجب پیدایش و رشد میکروب است، اقسام محیط از نظر کیفی و کمی از جمله محیط جامعه، خانه، اداره و غیره در رشد و گسترش فساد تأثیر دارند. انسان یک موجود اجتماعی است؛ پاکی جامعه و محیط به پاکی او کمک می‌کند و ناپاکی جامعه به ناپاکی او یاری می‌رساند. با توجه به این اصل هر کاری که جو جامعه را آلوده سازد، از نظر دین مقدس اسلام شدیداً از آن نهی شده است. گناه اجتماعی به مراتب بدتر از گناه فردی است؛ زیرا موجب عادی شدن گناه گردیده و بذر گناه را در همه جا می‌پاشد. خداوند متعال در قرآن کریم از مفسدان اقتصادی که یکی آن قارون است، چنین یاد کرده است: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: 79)؛ ترجمه: «قارون به اندرز پندگویان وقعی نهد و بلکه هوس قدرت و جنون ثروت او را بر آن داشت که با آرایش هرچه بیش‌تر دارایی خود را به نمایش گذاشت و با تمام زینت خود در برابر قوم خویش نمایان گردید (و زر و زیور و قدرت و شوکت خویشتن را در معرض دیده‌گان مردم قرار داد). آنانی که طالب زنده‌گی دنیا بودند، گفتند: ای کاش! همان چیزهایی که به قارون داده شده است، ما هم می‌داشتیم. (چه ثروت سرشاری! و چه جاه و جلالی!) واقعاً او دارای بهره بزرگی و شانس سترگی است.» (مکارم‌شیرازی، 1371، ج 16: ص 164)؛ ولی یک تعداد از مردم که دارای علم و دانش بودند، به مردم جاهل اعتراض کردند. در این مورد خداوند متعال در ادامه آیه فوق می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (قصص: 80)؛ ترجمه: «و کسانی که دانش و آگاهی داشتند (به افرادی که عاشقان زرق و برق دنیا بودند و بزرگواری را در زر و زور می‌دیدند) گفتند: وای بر شما! (چه می‌گویید و سعادت را در چه می‌جویید؟) اجر و پاداش خدا (که بهشت جاویدان است) بسی والاتر و بهتر (از این چیزها) است برای کسانی که ایمان داشته باشند»

و کارهای شایسته انجام دهند و این (بهشت یزدان هم) جز به شکیبایان داده نمی‌شود.» (قطب، 1425، ج 5: ص 2713) تأثیر جامعه بر افراد از طریق تأثیر بر استعدادهای ذاتی آن‌هاست. به همین دلیل، جامعه می‌تواند زمینه‌ساز رشد و ترقی یا فساد و تباهی انسان گردد (نصری، 1372: ص 367).

ریشه‌های اقتصادی

گاهی امور اقتصادی زمینه مفاسد اقتصادی می‌شود. عوامل اقتصادی یعنی آن‌چه با مسایل اقتصادی و معیشتی جامعه ارتباط دارد، اشاره خواهد شد. در سه بخش تولید، توزیع و مصرف نشانه‌های این گروه از عوامل فسادزا را می‌توان مشاهده کرد. از جمله مسایل مهمی که موجب انحطاط یک تمدن و جامعه می‌شود، انحطاط اقتصادی آن تمدن و جامعه است. خداوند متعال در کلامش در برشمردن زمینه‌های انحطاط یک جامعه در حیطة اقتصادی به مسایلی از قبیل رواج گران‌فروشی، کم‌فروشی، کفران نعمت و اسراف، رشوه و ربا و غیره اشاره می‌کند و نقش این عوامل را در جامعه مورد تأکید قرار می‌دهد. به‌طور کلی ریشه و زمینه‌های این مفاسد اقتصادی به دو قسم است: (الف. سرمایه و ثروت، ب. فقر و تنگ‌دستی). مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود قوام می‌بخشد و پایدار می‌کند، امور اقتصادی جامعه است که خداوند متعال آن را مایه قوام و برپایی اجتماع قرار داده است و اگر گناهان و جرایم و جنایات و مظالم مورد بررسی و آمارگیری قرار گیرد، در تحلیل نهایی به این نتیجه می‌رسیم که علت بروز تمام آن‌ها یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت و راهزنی و آدم‌کشی و گران‌فروشی و کم‌فروشی و غصب و سایر تعدیات مالی وادار می‌کند و یا ثروت بی‌سر و بی‌حسابی است که انسان را به اسراف در خوراک و پوشاک و ازدواج و بی‌بندوباری در شهوات و هتک حرمت‌ها و گسترش تعدی و تجاوز به مال و ناموس و جان مردم وامی‌دارد. موارد ذیل از جمله ریشه‌های اقتصادی شمرده می‌شود:

ثروت‌اندوزی و نقش آن در فساد

یکی از عوامل گسترش فسادهای اقتصادی ثروت‌اندوزی است. آیات و روایات زیادی در این باره ذکر گردیده است؛ چنان‌چه که خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه: 34-35)؛ ترجمه: «ای مؤمنان! بسیاری از علمای دینی یهودی و مسیحی اموال مردم را به ناحق می‌خورند و دیگران را از راه خدا بازمی‌دارند (و از اطمینان مردم به خود سوء استفاده می‌کنند و از پذیرش اسلام ممانعت می‌نمایند. ای مؤمنان! شما همچون ایشان نشوید و مواظب علمای بدکردار و عرفای ناپرهیزگار خود باشید و بدانید اسم و رسم دنیاپرستان مال‌اندوز

را فقیر درگاه خدا می‌داند (انصاری، 1371، ج 7: ص 223)؛ ولی سرمایه‌دار دیگر به نام قارون که ثروت‌های زیاد انباشته، وقتی حضرت موسی (علیه‌السلام) طبق فرمان خداوند از او مطالبه زکات اموالش را می‌کند، او با کمال غرور می‌گوید: «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص: 78)؛ یعنی این ثروت را در سایه دانشی که دارم به‌دست آورده‌ام؛ یعنی مدیریت من باعث شده است. بنابراین، سرمایه از خود من است و هیچ‌کس حقی در آن ندارد. خداوند متعال بر او غضب خود را نازل نموده و فرمود: «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ» (قصص: 81)؛ ترجمه: «سپس ما او و خانه‌اش را به زمین فروبردیم و هیچ گروه و دسته‌یی نداشت که او را در برابر خدا یاری دهند (و وی را از عذاب الهی برهانند). و خود نیز نتوانست خویشان را کمک کند.» (خرم‌دل، 1384: ص 832) نتیجه این که گرایش به رفاه‌طلبی، تمایل به تجمل‌خواهی، پرداختن به عیاشی و خوش‌گذرانی و فعالیت‌های فاسد اقتصادی از مسایلی است که زمینه‌ساز گسترش فساد اقتصادی است. البته در این بحث مراد از ثروت‌اندوزی، ثروت‌اندوزی جمعی است؛ یعنی این که جامعه به گونه‌یی شکل گرفته است که اکثریت دنبال ثروت‌اندوزی‌اند و این به عرف اجتماعی بدل شده است و در نتیجه فردی که در همچون جامعه‌یی زنده‌گی می‌کند، نیز ثروت‌اندوز به بار می‌آید.

فقر و تنگ‌دستی و نقش آن در فساد

یکی از مهم‌ترین دلایل و عوامل انگیزشی اقتصادی که سبب ایجاد قصد ارتکاب و گسترش فساد اقتصادی می‌شود، فقر و تنگ‌دستی است. همانگونه که زیادی مال و دارایی و فزون‌داری و فزون‌خواهی فرد و جامعه را از سیر کمالی باز می‌دارد، فقر مفرط و ناداری و پیوسته گرفتار دغدغه معاش بودن و اسارت در چنگال تنگ‌دستی نیز مانعی برای حرکت کمالی است. فقر مفرط انسان را متوقف و منکسر می‌سازد، ایمان و یقینش را متزلزل می‌کند و کمالات اخلاقی را در او رو به تباهی می‌برد (دل‌شاد تهرانی، 1383، ج 1: ص 189). بنابراین، یکی از زمینه‌های فساد اقتصادی فقر است که برای سالم سازی محیط لازم است به طور جدی و اساسی با فقر و ناداری مبارزه کرد.

ریشه‌های اجرایی و اداری

یکی از عواملی که می‌تواند موجب فساد در جامعه شود، بزرگی بیش از حد ساختارهای دولتی و عدم توجه به کارایی نظام اداری است. در جایی که دولت هدف تأمین خدمات را به عهده دارد و نقش مؤثری در ایجاد مقررات اقتصادی و اجتماعی و زنده‌گی مردم دارد، فرصت خوبی برای کج‌روی و فساد و سوء استفاده از مقررات به‌وجود می‌آید (طالقانی، بی‌تا: ص 65). یکی از دلایل وجود فساد اقتصادی مطلوبیت ریشه‌هایی است که زمینه بروز این مفاسد را فراهم می‌آورد و تا این وضعیت اصلاح نشود، فساد ریشه‌کن نخواهد شد. به نظر می‌رسد که دخالت مستقیم دستگاه‌های اداری شده که در اقتصاد کشورها و در نتیجه

انحصاری کردن برخی امور اقتصادی باعث عجزین شدن فساد با دستگاه‌های دولتی شود، می‌توان آن را عامل اصلی وجود فساد اداری و اقتصادی دانست. موارد ذیل باعث بروز فساد اداری و اجرایی می‌شود:

فقدان یا نارسایی و ناکارآمدی امر نظارت و اشکالات ساختاری دولت

یکی از وظایف حکومت نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. این کار باعث رونق اقتصاد و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، احتکار و انواع گونه‌های فساد اقتصادی می‌گردد. فقدان یا نارسایی نظارت در سیستم‌های ارزیابی، کنترل و بازپرسی از مهم‌ترین عواملی است که در بروز تخلف و فساد نقش مؤثری دارد. این مسأله از یک سو محیط ادارات و سازمان‌ها را برای افراد متخلف و فاسدان امن می‌کند و جسارت آن‌ها را در گسترش دامنه تخلف و قانون‌شکنی شدت می‌بخشد و از سوی دیگر کارکنان متعهد، منضبط، دل‌سوز و پرتلاش را دل‌سرد می‌کند. به همین خاطر، کارکنان منضبط را نیز به تدریج به انجام تخلف‌ها و مفاسد وسوسه و ترغیب می‌کند (پرور، 1380: ص 34).

عدم حساب‌رسی به اموال مسؤولان

در یک نظام اسلامی و ضد فساد، حساب‌دهی مانند بسیاری از تمهیدات دیگر از وقوع فساد جلوگیری می‌کند. کارمندان عالی‌رتبه نظام اسلامی باید به شدت مراقب نوع نگاه مردم به نحوه زنده‌گی و افزایش دارایی خود باشند و نظام اسلامی نیز ضمن توجه به معیشت مناسب آن‌ها در خصوص نوع زنده‌گی ایشان باید مراقبت لازم را به عمل آورد. در این زمینه حساب‌دهی از اموال مسؤولان باید در دستور کار نظام اسلامی قرار گیرد (همان: ص 34).

عدم برخورد جدی با متخلفان و مفسدان

در برخورد با متخلفان - مخصوصاً کسانی که از طریق دسترسی به بیت‌المال یا ارتباط با مسؤولان به منافع مادی می‌رسند - نباید هیچ‌گونه ملاحظه‌یی معمول گردد و داشتن ارتباط با نظام اسلامی نباید زمینه استفاده غیر معمول را فراهم نماید. قاطعیت در این زمینه به مانند اجرای حکم قصاص آثار بسیار مثبتی را برای جامعه در پی خواهد داشت (همان: ص 34).

عدم تعهد و تخصص لازم

از علل دیگر گسترده‌گی دامنه فساد، ضعف مدیریت و نارسایی‌های متعددی است که در امر برنامه‌ریزی کلان کشور وجود دارد. ضعف مدیریت ممکن است به گونه‌های مختلفی ظهور کند؛ عدم رعایت اصل شایسته‌سالاری و گماردن افراد نالایق به پست‌های کلیدی، پرداختن بیش از حد به مسایل سیاسی و جنایی و غافل‌شدن از وضعیت معیشتی اقشار ضعیف، نحوه برنامه‌ریزی و استفاده از الگوهای ناموفق اقتصادی برای سامان‌دهی فعالیت‌های تولیدی و تجارتي کشور، همه ضعف در مدیریت محسوب می‌شوند (همان: ص 34).

بخش 4- مناقشه و نتیجه‌گیری

مناقشه

آنچه که در مباحث گذشته بیان شد، نشان می‌دهد که عوامل و ریشه‌های اصلی ایجاد و بروز و ظهور گسترش مفاسد اقتصادی از دیدگاه اسلام را به دو بخش یعنی عوامل و ریشه‌های درونی مفاسد اقتصادی و عوامل و ریشه‌های بیرونی مفاسد اقتصادی تقسیم نمود که در بخش اول آن انسان‌ها به‌طور حتمی و صد درصدی نقش اساسی را دارند؛ مانند: عوامل و ریشه‌های اعتقادی، اخلاقی و روانی که در تحقق مفاسد اقتصادی مؤثرند. بخش دیگر آن عواملی‌اند که فرد را از بیرون تحت شعاع قرار می‌دهد؛ مانند: عوامل و ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و غیره.

در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی بر اساس آسیب‌شناسی‌هایی که در نگاه اساسی و زیربنایی و ریشه‌یی به معضل مفاسد اقتصادی انجام گرفت، مطرح شد که ریشه تمامی این معضلات به فاصله‌گرفتن از تعالیم دینی و عدم تحقق صحیح و کامل دین در عرصه اجتماع و پیروی از الگوهای توسعه غربی و غیر الهی بازمی‌گردد؛ لذا به هر میزان که فاصله برخی از نظام‌های اجتماعی از تعالیم دینی زیادتر شود، دامنه معضلات نیز گسترده‌تر خواهد شد و فعالیت‌های روبنایی و تلاش برای حل مقطعی آسیب‌ها ثمره کمتری به دنبال خواهد داشت.

از نظر نویسنده، بهترین راه حل اساسی در زمینه مبارزه با فساد اقتصادی بازگشت عمیق به دامن اسلام و استوارساختن شیوه‌های تنظیم امور اقتصادی بر پایه تعالیم ارزشی دین مقدس اسلام است. باید در اداره جامعه اسلامی و اصلاح ناهنجاری‌ها از جمله مبارزه با مفاسد اقتصادی را بر اساس ارزش‌ها و مبانی اسلامی طراحی نمود؛ زیرا که دین مقدس اسلام در تمامی ابعاد زنده‌گی افراد و مسایل اجتماعی برنامه داشته، قدرت اداره جوامع را داراست.

نتیجه‌گیری

فساد انواع و اقسامی دارد که فسادهای اقتصادی و مالی از جمله آن‌هاست. امور اقتصادی بخش مهمی از زنده‌گی انسان را به خود اختصاص داده است و اصلاح فساد در زمینه مسایل اقتصادی نیز همواره از اساسی‌ترین اصول بوده است. بر اساس آموزه‌های اسلامی قوام جامعه به اقتصاد و سلامت آن است. با توجه به اهمیت اقتصاد در توسعه و پیش‌رفت جوامع، اهمیت مفاسد اقتصادی نیز به‌خوبی آشکار می‌گردد. جهت‌دهی و سامان‌بخشی اقتصاد و توجه به موضوع مفاسد اقتصادی به ما کمک خواهد کرد که به پیش‌رفت و توسعه اقتصادی- آن هم در یک نظام دینی- دست یابیم.

فساد می‌تواند در سه سطح (شخصی، نهادی و سیستمی) صورت گیرد. در سطح شخصی فساد در راستای نفع فردی یک شخص صورت می‌گیرد. در سطح نهادی این مسأله در جهت منافع یک ارگان و یک نهاد معین صورت می‌گیرد و در سطح سیستمی و پلان‌شده، فساد کل رژیم و نظام سیاسی کشور را در بر می‌گیرد.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در دین مقدس اسلام موضوع مفاسد اقتصادی و مالی اهمیت زیادی دارد و مبارزه با این پدیده می‌تواند که یکی از مصادیق قسط و عدل هم باشد و با توجه به آیات و روایات و سایر منابع معتبر اسلامی می‌توان گفت که فساد اقتصادی در نگاه دینی نسبت به آنچه که در عرف جامعه وجود دارد، مفهوم وسیع‌تر و ماهیت خاصی دارد و به هرگونه انحراف از ضوابط شرعی که موجب اختلال در نظام اقتصادی گردد، گفته می‌شود.

مجموعه‌یی از عوامل و ریشه‌های درونی از جمله عوامل اعتقادی، اخلاقی و روحی و روانی تأثیر قابل توجهی دارند. همچنان ریشه‌های بیرونی از قبیل: ریشه‌ها و عوامل فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجرایی و اداری و مدیریتی را مؤثر می‌داند و هریک از عوامل آن نیز با یکدیگر دارای ارتباط متقابل می‌باشند.

از دیدگاه دین مقدس اسلام همان‌طور که ریشه‌های مفاسد اقتصادی چند فکتوری است، پیامد و عارضه فساد اقتصادی را نیز چندبعدی می‌دانند و به بیان‌های گوناگون آن گوش‌زد شده است. در صورت حاکمیت فساد و شیوع آن، آثار منفی و تبعات بسیار مخرب اخروی و دنیوی در تمامی عرصه‌ها هم برای مرتکبان فساد و هم برای جامعه در ابعاد مختلف اعم از اقتصاد، فرهنگ، سیاست و غیره به دنبال خواهد داشت و حتی غیر قابل جبران است و در برخی حالات زمینه‌های سقوط و نابودی جامعه را هم فراهم می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

آقانظری، حسن، (1385). نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی. تهران: سازمان سمت.

ابوداود، سلیمان بن داود. (1419). مسند أبي داود، مصر: دار هجر.

اکبری‌نژاد، مهدی و همکاران، (1393). بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و احادیث، ایران: دو فصل‌نامه علمی-

پژوهشی مدیریت اسلامی، سال 22، شماره 1.

انصاری، عبدالله بن محمد. (1371). کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). چاپ

پنجم، تهران: امیر کبیر.

- بابازاده، علی اکبر. (1374). زمینه‌های فساد در جامعه و راه درمان با مقدمه آیت‌الله مکارم شیرازی. قم: انتشارات قدس.
- پرور، اسماعیل. (1380). اصلاحات، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- جعفر بن محمد. (1360). مصباح‌الشریعة. مترجم: حسن مصطفوی، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). صاح‌اللغة. بیروت: دار العلم للملایین.
- خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۸۴). تفسیر نور (خرم‌دل). تهران: نشر احسان.
- دل‌شاد تهرانی، مصطفی. (1383). سیره نبوی (منطق عملی). چاپ دوم، تهران: مطبعة دریا.
- دهخدا، علی اکبر. (1372). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق). ترجمه و تحقیق مفردات الالفاظ قرآن. مترجم: غلام‌رضا خسروی، تهران: مرتضوی.
- سرداری، احمد. (1380). روی‌کرد بر ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه. مجموعه مقالات دومین همایش علمی پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- طالقانی. (بی‌تا). فساد اداری و راه‌های مبارزه با آن. بی‌جا: نشریه تعاون.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (1417). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر. (1412). جامع‌البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (1375). مجمع‌البحرین. تهران: انتشارات مرتضوی.
- طهماسب، محتشم دولت‌شاهی. (1370). مبانی علم اقتصاد. تهران: انتشارات خجسته.
- عبدالباقی، محمدفواد. (1397). المعجم المفرد لالفاظ القرآن الکریم. تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- عمید، حسن. (۱۳۶۰ / ۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: نشر اشجع.
- عوده، عبدالقادر. (۱۳۷۳). حقوق جنایی اسلام بر اساس مذاهب پنج‌گانه. مترجم: اکبر غفوری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (1420). التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (1409). کتاب‌العین. قم: نشر هجرت.
- قحف، منذر. (۱۳۸۵). علم اقتصاد اسلامی به تعریف و روش. فصل‌نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۲۳.
- قطب، سید محمد. (۱۴۲۵ هـ). تفسیر فی ظلال القرآن. چاپ سی‌وپنجم، تهران: نشر احسان.
- کریمی، محمدنعیم. (۱۳۹۱). اسلام و قبیله‌گرایی. کابل: انتشارات سعید.
- مارشال، آلفرد. (۱۳۴۰). اصول علم اقتصاد. مترجم: حسین مرتمن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- محقق، محمدجواد. (1389). مفاسد اقتصادی از دیدگاه اسلام. مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی، انتشارات زمان نو.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مریدی، سیاوش. (1373). فرهنگ علوم اقتصادی. تهران: انتشارات نگاه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نصری، عبدالله. (1367). مبانی انسان‌شناسی در قرآن. بی‌جا: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی و انتشارات فیض کاشانی.
- نراقی، محمد مهدی. (1383). جامع السعادات. نجف: مطبعة النجف.
- هادوی‌نیا، علی اصغر و سعید خدیوی رفوگر. (1396). مفهوم‌سازی و سنجش فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام با روی کرد نهادگرایی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، فصل‌نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفدهم، شماره 66.
- یعقوبی، حسن و داود خوش‌باور. (1398). عوامل فساد اقتصادی اختلاس و راه‌کارهای پیش‌گیری از منظر حضرت علی (رض). تهران: مجله اقتصادی، دوره 19، شماره‌های 9 و 10.

